

**برای بررسی در کمیسیون برنامه**

این سند در مورد برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی و آموزشی در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی است. هدف از تدوین این سند، تعیین اهداف، اولویت‌ها و روش‌های اجرای این پروژه‌ها است. همچنین در این سند به نحوه همکاری و پشتیبانی از سوی نهادهای مختلف دولتی و خصوصی اشاره شده است.

**پیش نویس طرح برنامه**

**سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)**

این سند در مورد برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی و آموزشی در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی است. هدف از تدوین این سند، تعیین اهداف، اولویت‌ها و روش‌های اجرای این پروژه‌ها است. همچنین در این سند به نحوه همکاری و پشتیبانی از سوی نهادهای مختلف دولتی و خصوصی اشاره شده است.

آذر ۱۳۶۶

فصل اول  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حسین فدائیان خلق ایران در سالهای دهه ۴۰ در میان سردادگان سوری رژیم شاه  
سیانگده شد.

در این سالها نظام اقتصادی - اجتماعی کشور تعمیرات عمده ای را تسخیر می کرد. کشته  
رشدن سازمان سرمایه داری، معرفی نسله ها و خاها را ماقبل سرمایه داری و تشدید و استیجایی همسه  
شون کشور به امیرالاسم عمده ترس آنها بود. طی این سالها، که با تشدید دنگا سوری شاه همراه  
بود، در صفوف حسین خدا میرا لیبستی - دموکراتیک ایران دگرگونیهای تازه ای بدیدار شد: از  
یک سو کراس خدا میرا لیبستی و دامنه مخالف حزبهای اطلاع طلب سوزواری، ظلی تا ژوئیه  
دنگا سوری شاه کاسی می گرفت و بعضی و سایر آن در حین خدا میرا لیبستی دموکراتیک کمتر  
می شد، از سوی دیگر حین خدا میرا لیبستی و دموکراتیک کشور با بیوشن نیروهای تازه ای سه  
صفوف آن نفوذ می کردند.

با تحول در آرایش طبقاتی جامعه، سوز و کاسی طبقاتی رگرو توده روشنفکران، با تشدید  
نفاذهای ناشی از رشدن سازمان سرمایه داری و استیجایی و سزنت تا نکرک میا سبهای سوسیا لیبم و  
اوج گیری حینهای انقلابی خلفها در حین، زمینه ماعدی برای طلب نسل تازه ای از انقلابیون  
ایران سوسی مارکسیسم و پذیرش حقیقت سوسیا لیبم فراهم آمد. ضعف بیضا هنگ طبقاتی رگرا ایران  
که مانع حضور فعال و موثر و درجا مبع بود، و سیر رشد کف و اختلاف در حین کمونیستی و کارگری در  
حین، روند شکل گیری دیدگاههای فعالین سوخته چپ را تحت تاثیر قرار می داد.

چنین است عمده ترین مختصات شرایط عینی و ذهنی که بر ستر آن فدائیان خلق ایران  
شکل گرفتند.

در آغاز سال ۴۲، نخستین گروه سبیا نگدا سازمان رهبری رفیق بیژن خری و در واسط  
دهه ۴۰، دومین گروه سبیا نگدا سازمان رهبری رفقا بیویان و احمدزاده تشکیل کردند.  
در سحرگاه ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با سگاه زاندا رمزی سبیا هکل مورد حمله مسلحانه نیروهای مفتح سرک  
دو گروه فرا گرفت و اربی آن با وحدت کامل دو گروه، که اساسی اعتقاد به مارکسیسم - لنینیسم  
و پذیرش مبارزه مسلحانه برای سرنگونی رژیم شاه صورت گرفت، سازمان جریکهای فدائیان خلق  
ایران، تاسیس گردید و ۱۹ بهمن روز سبیا نگداری سازمان اعلام شد. سازمان فدائیان خلق  
ایران (اکثریت) سمرتکا مل خلاق و بیویای سازمان جریکهای فدائیان خلق است.

فدائیان خلق ایران از آغاز سبیدائی، بیکاری بیگرو دلیرانه علیه رژیم شاه، علیه  
امیرالاسم و سرمایه داری و در راه استقلال، دموکراسی و سوسیا لیبم به پیش برده اند. سازمان در  
سالهای قبل از انقلاب طی ۸ سال سرد قهرمانانه و خویسن که قیمت از دست دادن صدها تن از  
بهترین پیشگامان حین انقلابی کشور تمام شد، علیه رژیم دنگاهاها چپ روانه موفق گردیدند  
اکثریت فعالین چپ را به سوی خود جلب کند و حین انقلابی کشور را رشد دهد.

سازمان در روند گسترش و اوج گیری حین سبیدائی در سالهای ۵۷ - ۱۳۵۶ با تمام قوا در کنار  
توده ها و اردییکاری سربوشت سازمان رژیم شاه شد. سازمان نقش برجسته ای در قیام ۲۲ و ۲۱ بهمن  
ایفا کرد. شرکت گسترده فدائیان در انقلاب بهمن نمود و اعتماد سازمان را نفوذ و موجب تحکیم  
بیوند آن ساکارگران و زحمتمندان گردید.

در سالهای پس از انقلاب، سازمان با تمام سیر و در راه سبب و تحکیم و پیش برد انقلاب  
بهمن و حفظ دستاوردهای آن به سردیر داشت. اما انقلاب بهمن با استغفار رژیم ولایت فقیه از  
بیشروی سازمانند، خط مشی و سببها سازمان سزنت تا سیرک رشته عوامل ذهنی و عینی در

فهرست:

فصل اول، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) \_\_\_\_\_ ۱

فصل دوم، جهان بینی و آماج های دور و نزدیک \_\_\_\_\_ ۳

فصل سوم، سببهای جهان معاصر \_\_\_\_\_ ۶

فصل چهارم، ساختار اقتصادی، اجتماعی و سببهای کشور \_\_\_\_\_ ۹

۱- ساختار اقتصادی کشور \_\_\_\_\_ ۹

۲- انقلاب بهمن \_\_\_\_\_ ۱۰

۳- ناهت و خط مشی جمهوری اسلامی \_\_\_\_\_ ۱۱

۴- آرایش طبقاتی جامعه \_\_\_\_\_ ۱۳

فصل پنجم، برای پیروزی انقلاب منی و دموکراتیک با چشم انداز سوسیا لیبستی \_\_\_\_\_ ۱۸

فصل ششم، برنامه حاکمیت انقلابی خلق \_\_\_\_\_ ۱۹

۱- در زمینه سببای \_\_\_\_\_ ۲۰

۲- در زمینه اقتصادی \_\_\_\_\_ ۲۱

۳- در زمینه اجتماعی \_\_\_\_\_ ۲۳

فصل هفتم، در راه اجرای این برنامه \_\_\_\_\_ ۲۶

سالیهای ۶۰ و ۶۱ دچار اوج حراف شد و در مقابل حکومت ارسالت اتحاد مبارزه سروری کرد. سازمان سس خط می خود را معسودا دو مبادی در راه سرگونی رژیم ولایت فقه و استعمال قدرت به مردم را عدت ماحل خود اعلام کرد.

سازمان در طول حیات اشعار آفرین خود، تکامل آئینده ساز را از انت سرسپاده است. طبیی اس سالها سازمان ساکامل اندولوزیک، سیاسی و تکنیلابی خود را مازمی توانا سزای بیساختگی طیفه کارگرو بوده های رخصر را روئسد.

انکای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به طیفه کارگرو مردم زحمتکش ایران، وفاداری با پای جان به میمان های خود را مردم، تلاش بیگنبر برای کارست جهان بینی علمی و انقلابی طیفه کارگر، اسانگان را فراهم میگرد که سازمان منشاء خدمات بزرگتری به مردم میهن گردود و برجم صلح، استقلال، دموکراسی، بشریت اجتماعی و سوسالسم را فراهم میهن سرافراشته دارد.

مصوب کمیسیون برنامسه

۶۶، ۹، ۱۸

## فصل دوم

### جهان بینی و آماجهای دور و نزدیک

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سازمان سیاسی طیفه کارگرا ایران است. سازمان اهداف و مسافع آتی و آتی طیفه کارگرا ایران را بنا بندگی می کند و مدافع بیگنبر خواسته های ترقی خواهان همه مردم زحمتکش ایران است. سازمان بیگنبر تمام مردم ایران علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی را متحد و متشکل می سازد و به سوی بیروزی قطعی هدایت می کند.

عالیترین هدف سازمان براندازی هرگونه بهره کشی انسان از انسان، پایان دادن به هرگونه ستم طبقاتی، ملی، نژادی، مذهبی، جنسی، تامین شرایط و امکانات وسیع برای رشد سریع اقتصادی - اجتماعی کشور و تامین رفاه و سعادت تمام مردم زحمتکش ایران است. تحقق این آماج بزرگ بشری در گرو استقرار سوسالیسم در ایران و تکامل شکوفان آن است. سوسالیسم و کمونیسم جا معهای است که بر درفش آن نوشته شده است: "همه چیزه نام انسان، همه چیز برای بیروزی انسان". نیل به این آماج در گرو حاکمیت طیفه کارگرو مردم زحمتکش و مقاومت طبقات چپا و لگرو براندازی نظام سرمایه داری است. بسیج طیفه کارگرو همه توده های زحمتکش برای تحقق این آماج، اساسیترین و مهمترین وظیفه سازمان است.

سرمایه داری نظامی است که بر پایه تضاد میان شکل اجتماعی تولید و مالکیت خصوصی بر وسایل تولید بنا شده است. اعمال ستم طبقاتی و بهره کشی از توده های زحمتکش توسط اقلیت محدود سرمایه داران، خلعت ذاتی سرمایه داری است. سازمان در راه افشای ماهیت استثماراری و ستمگرانه امپریالیسم و نظام سرمایه داری و ترویج آشتی ناپذیری تضاد میان کار و سرمایه، تلاش می کند. سازمان بیگنبر علیه ایدئولوژی بورژوازی و خرده بورژوازی، علیه کمونیسم ستیزی، شوئیسم، تبلیغ جنگ و علیه نازیسم، خرافه پرستی و افکار ارتجاعی و ضد علمی بیگنبر می کند.

آماج مقدم سازمان، آماجی که بر نامه حاضر مقابل خود قرار داده است، سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" و استقرار یک حکومت دموکراتیک و متکی بر اراده مردم است. حکومتی که شرایط صلح پایدار را تامین و دموکراسی واقعی و استقلال کامل ملی را تضمین کند و در راه پیشبرد روند تحول انقلابی کشور برای گذار از سرمایه داری به سوسالیسم، کام بردارد. در راستای تحقق این آماج سازمان می گویند همه نیروهای صلح دوست و آزادیخواه کشور را که خواهان سرنگونی رژیم ولایت فقیه هستند، در یک جبهه وسیع متحد سازد.

آماجهای دور و نزدیک و همه حیات انقلابی سازمان، از جهان بینی آن نشات می گیرد. ما رگسیسم - لنینیسم که یگانگی جهان بینی علمی و انقلابی دوران ما است، جهان بینی و تئوروی راهنمای عمل انقلابی سازمان است. سازمان بر نامه و خط مشی سیاسی و سازمانی خود را از طریق انطباق این جهان بینی بر شرایط متحول جهان معاصر و از طریق کار بست آموزش های عام آن بر شرایط مشخص جا معه ایران تدوین و تنظیم می کند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اقتضای جهان بینی خود، سازمان بیگنبرترین، میهن پرستان ایران است که همبستگی با کارگران و خلقهای سایر کشورها را برای رهائی ملی و اجتماعی، در راه وظایف خود قرار می دهد. میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری، دو خلعت به هم پیوسته و مکمل یکدیگر سازمان است. استقرار سوسالیسم در ایران اساسیترین وظیفه میهنی و انترناسیونالیستی سازمان است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بنا به جهان بینی خود، خواهان تامین هر چه

کامل تر حقوق سز و در آن تا من ملج با بنا روجی رسدگی در جهان، خلق علاج کامل، و در کام نحت، خلق علاج هسته ای و همزیستی سالمت آمیز همه کشورها، خواهان با من جو نعتی سربونت برای همه ملتها، خواهان استعما روا استعما رسو، آزادیرستی، مفروگرسکی و سبوا دی، خواهان رعایت حرمت و حسب و جعوی انسان و خواهان با ساداری خردمندانانه از محیط رسب در کره رسب است.

سارمان نهادشان خلق ایران (اکثریت) جزو همسینه حسن کمونیستی و کارگری جهانی است. از نظام جهانی سوسالیسم، از حسن کمونیستی و کارگری در همه کشورها، از جنبشهای رهاشی بخش ملی و از جنبشهای دموکراتیک و توده ای در راه صلح، استقلال، دموکراسی، بشرفتر اجتماعی و سوسالیسم بگمراهه بینناسی می کنند.

سارمان نهادشان خلق ایران (اکثریت) از حقایق تاریخی، از حقایق انقلابی و از آماج های انسانی و مسمی حسن کمونیستی ایران بگمراهه و تابه آخر ساداری می کند، میراث آن را میراث خود می شناسد و راه سبوا دی آن در سراسر عرفات امپریالیسم، نوزواری و حریان سبوا دی خورده سوزواری دفاع می کند.

سازمان با تمام سبوا دی راه وحدت همه سبوا دی سوسالیسم علمی در حزب واحد طبقه کارگر ایران و علیه رجه هرگونه انحراف ایورونیستی راست یا "چپ" در صفوف پیشاهنگ طبقه کارگر ایران بگمراهه می کند.

## فصل سوم

### سیمای جهان معاصر

هر ازان سال انسان رختکن در آرزوی رسیدن به جامعه ای عادلانه و فارغ از ستم و سبوا دی کثی فردا زبرد بود، اما نعتی این روسا تا او خرقون گذشته هنوز ممکن بود، تا آنکه نظام ستمگراهه سرمایه داری با تکامل خود گذر به مرحله امپریالیسم، گورکن خود را در دل خویش برورد و امکان عسی برای گذر به سوسالیسم و آغاز دوران جدیدی از روند تکامل جامعه بشری فراهم شد.

در دو سینه دهه قرن ستم، انقلاب سوسالیستی در ضعیف ترین طبقه سیمای جهانی امپریالیستی به سبوا دی رسید. سرمایه داری و نظام استعما رطقاتی در روسیه تزاری برانداخته شد و برای اولین بار در تاریخ، طبقه کارگر و توده های رختکن بر مقدرات خود حاکم شدند. با سبوا دی انقلاب کبیر سوسالیستی اکثر، دوران تازه ای در جهان آغاز گردید.

با درهم شکسته شدن فاشیسم هینلری و میلستا ریم زاین، محاصره امپریالیستی سوسالیسم خانمه بافت و بخش بزرگی از جهان در راه سوسالیسم گام نهاد. جمهوری خلق چین تاسس شد و همراه با کشورهای اروپای حوری، راه تکامل سوسالیستی را در پیش گرفتند. سبوا دی انقلاب سوسالیستی در کره و در کوبا و ویتنام ضربات سخت دیگری را متوجه سرمایه داری جهانی کرد. سوسالیسم به یک سیمای جهانی تبدیل گردید.

با انقلاب اکثر امکان عسی برای فروپاشی سیمای استعما روری و رهاشی خلق های تحت ستم فراهم شد. طی سالهای بین ارتنگ امپراتوری های استعما ری به کلی درهم شکست و بیش از یکصد کشور به حق حاکمیت ملی و استقلال سیاسی دست یافتند. این تحول نیز مواضع سوسالیسم در مقابل امپریالیسم را تقویت کرد.

اکنون سوسالیسم به جهان سبوا دی فرا روئیده است که بدون مشارکت آن هیچ یک

از مسائل عمده جهان معاصر با حل ستم، سوسالیسم تکیه گاه استوار ملج در سبوا دی ما و مدافع بگمراهه دموکراتیک در مسائات بین المللی و مانع عمده در سبوا دی ارتجاع جهانی است. دستاورد بزرگ سوسالیسم، سبوا دی موارنه عطا می است. ارتقا تریک سبن، دو نظام عمده جهانی، سبن سوسالیسم و امپریالیسم است. این توازن مواضع سوسالیسم جهانی را تحکیم کرده و حساب های امپریالیسم برای سبوا دی در جنگ هسته ای را سبوا دی و شرابط عینی، در عرصه بین المللی برای سبوا دی انقلاب خلق ها را سبوا دی عطا شده است. ابتکار تحول تاریخی جامعه بشری در دست سوسالیسم است.

سوسالیسم به در سبوا دی ترین کشورهای سرمایه داری، بلکه در ضعیف ترین حلقه سبوا دی آن سبوا دی برنگ این شد که با سوسالیسم تا درخواهد شد در یک کشور و محدود در شرایط محاصره و تعرض امپریالیسم موجودیت باید؟ راه کدام است؟ صدور انقلاب به کشورهای پیشرفته سرمایه داری باید بر سبوا دی همزیستی سالمت آمیز با سرمایه داری، و در کنار این همزیستی، تلاش فداکارانه برای تسریع رشد انتمادی - اجتماعی سوسالیسم (نعتی کردن کشورها)؟ تاریخ سوسالیسم و نیز همه حقایق معاصر نشان می دهد که چه دیروز چه امروز سوسالیسم تنها از طریق همزیستی سالمت آمیز میان دو نظام، تحکیم ملج جهانی و در پرتو آن تلاش فداکارانه در راه تسریع شتاب رشد انتمادی - اجتماعی و کاهش فاصله سطح رشد خود با سرمایه داری و پیشی گرفتن از آن در سبوا دی تاریخی، راه بقا و گسترش خود را به تکامل جامعه بشری راه سبوا دی می کند و می بسازد.

دسیای با سبوا دی قرن ۲۰ سادنیای آسبوا دی قرن به گونه سبوا دی تفاوت کرده است. انقلاب علمی - فنی جهان عینی عظیم در سطح رشد سبوا دی مولده پدید آمد و در سبوا دی در صورت جذب کامل آن توسط سوسالیسم، رویای سبوا دی انسان رختکن برای سبک کردن رنج کار روزی ستم در راه و سبوا دی معاد امن و عادلانه، زمینی می گردد. از سبوا دی دیگر این جنبش انضام های جنگ را جهان تکامل بخشیده است که با وقوع آن بقینا مرگ هسته ای نصیب زمین می گردد. اگر در آغاز سبوا دی سوسالیسم، همزیستی سالمت آمیز برای بقای سوسالیسم ضرور بود، امروز این همزیستی در کیفیت سبوا دی، آن گونه که در قالب تفکر نوین سیاسی بیان می شود، برای بقای تمام بشریت ضرور گردیده است.

اگر در اوایل سال های پس از سبوا دی اکثر، براندازی سرمایه داری و استقرار سوسالیسم و تسریع ایجاد دنیاهای صنعتی سبوا دی برای آن، تحولی دورا سبوا دی بود، امروز تکامل کیفی سوسالیسم، که در قالب سبوا دی بیان می شود، از طریق تسریع جذب هر چه گسترده تر انقلاب علمی - فنی در انتما دوسوسالیستی و از طریق دموکراتیزه کردن هر چه بیشتر حیات انتمادی - اجتماعی و سیاسی سوسالیسم، دستاورد بخش انقلاب اکثر و حافظ سمت تکامل دوران معاصر است. سرمایه داری سبوا دی سبوا دی سبوا دی تغییرات فاحشی را پشت سر نهاده است، اما ماهیت و خلقت استعما رگراهه و غیره دلانه آن نه تنها باقی است، بلکه وضوح بیشتری یافته است. اکنون تفاداسی کار سبوا دی به نحوی عمیق تر با معسبوا دی داری را تقسیم می کند. تکامل نظام سرمایه داری، سرمایه و تولید سرمایه داری را وسیعاً بین المللی کرده است. سرمایه انحصاری قراملی ابعادی غول آسا یافته و عمده تولیدات کشورهای پیشرفته سرمایه داری را تحت سیطره خود گرفته است. قراملی شدن سرمایه انحصاری و توسعه آن، بفرنجی های تازه ای در پروسه تولید و نظام سیاسی سرمایه داری پدید آمده است. مشخصه سرمایه داری معاصر، درهم تنیدگی و زرفتن بحران های ادواری و ساختاری آن است. رشد تفاد میان خلعت قراملی سبوا دی سرمایه داری انحصاری با شکل ملی سازمان دولتی یکی از سرچشمه های این بفرنجی است. تکامل سرمایه داری

تا رسیدن به آمورش و ملایمت همزمان بوده است. محققان نظامی - معنی مدا هم حدود  
را در کمال بودیم با ای ایران می دهند. آنها مساعده سدیده خطر حک و محرک عده افراد  
سج بین المللی هستند.

اعطای غلظی - معنی، مدیریت تطبیق و ماورسما به داری احضاری را با شرایط ناره امراض  
داده است. در عین حال این بیشتر تعرض ناره ای را، که موج محافظه کاری جدیداً مسوده  
می شود، ارسوی حجاج راست بورژوازی احضاری برای بازین گرفتن دست آوردهای مبارزه طبقه  
کارگر موحث شده است. رشد تکنولوژیک، که در سوسیالیسم عدالت و امنیت و صلح را تقویت  
می کند. آنها که در سرما به داری به خدمت گرفته می شود شکاف طبقاتی را عمیق تر، یکجاری را  
کسترده تر و فشار بر کشورهای رندیا بنده را با هم سنگین تر می کند.

نارشد غلظی - معنی، در صفوف طبقه کارگر و سایر طبقاتی جامعه سرما به داری سوسر  
دگرگونی هائی پدید آمده است. سهم کارگران مشاغل غلظی - تخصصی افزایش می یابد، کار  
نگری نقش عمده تری پیدا می کند و سهم کار رنده کاسی می گیرد. فشرده شدن در صفوف طبقه کارگر  
بفرنج تر و عمیق تر می شود. طبقه کارگر با هم کسترده تر می شود و نسبت به سایر طبقات اجتماعی سهم و نقش  
آن در حیات اجتماعی سازهم افزایش می یابد. مبارزه کارگران اشکال متنوع تری به خود گرفته و  
محتوی آن غنی تر می شود.

تکامل سرما به داری، هم ضرورت سوسیالیسم را با هم سرم تر ساخته، هم راه دستیابی به آن را  
بفرنج تر کرده است. این تحولات جنبش کارگری و کمونیستی در کشورهای سرما به داری پیشرفته  
را تحت تاثیر قرار می دهد. آنها با اوضاع ناره منطبق می شوند و خواست های همه طبقات و سبب طبقه  
کارگر و گروه های وسیع خلق را برای تحولات دموکراتیک مرحله ای دردستور روز قرار می دهند. مبارز  
تعرض محافظه کاری جدید و مجتمع های نظامی - صنعتی و نیز دفاع از صلح و دموکراسی به آماج  
مقدم این مرحله تبدیل شده است.

جنبش عام دموکراتیک بوده ای برای حل مسائل مرمی که فراروی جامعه قرار گرفته اند،  
هر روز اهمیت بیشتری می یابد، این جنبش ها طیف وسیعی از اقشار و طبقات جامعه را دربر می گیرد.  
آماج این مبارزه در وهله اول حفظ صلح در جهان، جرات از محیط زیست، دفاع از حقوق بشر و  
نیز سایر مسائلی است که جامعه را نگران می کند، طبقه کارگر نیروی بزرگ این مبارزه، و محافظان  
راستگرای محافظه کار سرما به داری، آماج عمده آن به شمار می روند.

پیدایش و تشکیل بیش از ۱۰۰ کشور مستقل طی دهه های اخیر، سیمای جهان پایا نه سوده  
ه را عمیقاً تحت تاثیر قرار داده است. جغرافیای سیاسی جهان با این یک مرحله کاملاً  
انقلابات رها بی بخش ملی را با زتاب می دهد، مرحله ای که در آن براندازی استعمار، کسب استقلال  
سیاسی و حق حاکمیت ملی مضمون عمده آن بود. این تحول در شاست نیروها در مقابله بین المللی  
به سود نیروهای صلح و ترقی و به زیان امپریالیسم به شدت تاثیر کرده است.

امپریالیسم با شیوه های نو استعماری، با تجدید نظر، فشار اقتصادی و سیاسی از  
ارتجاع داخلی می گویند و سر تکامل جنبش رها بی ملی را متوقف و پیروزی های آن را رایل کند.  
بویژه ارسوق آن به سوی نو سازی مناسبات اقتصادی - اجتماعی در سوسوسیالیسم خلق گیری  
کند. وابستگی اقتصاد این کشورها به کشور متروپل، اهرم اصلی امپریالیسم در بسپرد و تحقیر  
اهداف فوق است.

شکاف عمیقی مجموعه این کشورها را، که اصطلاحاً "جهان سوم" نامیده می شود، از بقیه جهان جدا  
می کند. این شکاف به گونه ای اشجار آ میرد و حال رند است. طبقه ای این کشورها، امپریالیسم  
جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را مسئول اصلی عقب ماندگی کشور خود و دشمن اصلی  
استقلال و بیشتر خود می شناسد. اکثر آنان زیر بار رنده کسده بهره کشی مالی سوسما به حضاری

و بسیاری از آنان در معرض هدا حله نظامی امپریالیسم قرار دارند. مساعده سدیده دلایه، سوسر  
از راه فقره و عظمت توسعه طلبانه امپریالیسم، منبع گسترش شکاف میان کشورهای رندیا فتنه  
سرما به داری و "جهان سوم" و منشاء عمده درگیری های منطقه ای است. رندیا بخار گونه ای بین  
شکاف، آن را به یکی از جداترین مسایل جهان معاصر، مساله ای که آشکارا خلیت عموم بشری به  
خود گرفته، تبدیل کرده است.

علیرغم این، سیمای کشورهای رندیا بنده از نظر تکامل اجتماعی، یکسان نیست. بسیاری از  
آنها مدتهاست که راه رشد سرما به داری را طی می کنند، بر گروهی از این دسته کشورها، بهمان شکل  
دست نشانده امپریالیسم حکومت می کنند و اقتصاداً دوساست کشور را تا راجگاه امپریالیسم و سرما به  
نظامی ساخته اند. بر گروهی دیگر محافل سرما به داری ملی حکم می رانند. آنها گرچه ما یلندکنه  
کشور را به راه رشد مستقل سوق دهند، اما در عمل قادر نیستند استقلال اقتصادی کشور را تا مین و یا  
مائل رندا اجتماعی - اقتصاداً کشور را به سود خود حل کنند.

گروهی دیگر از کشورهای "جهان سوم" در مسیر نو سازی اقتصادی - اجتماعی کشور در جهت  
منافع زحمتکشان کام بر میدارند. آنها زمینه های آینه سوسیالیستی کشور را تدارک می بینند.  
برآیند حرکت و ست گیری عمومی کشورهای رندیا بنده به مثابه یک کل دارای خطیست  
ضد امپریالیستی است. روند تحول اوضاع، در این بخش از جهان در پال های پس از جنگ دوم، در  
جهت تقویت این گرایش بوده است. سازمان ملل متحد، سازمان کشورهای غیر متعهد، و نیز دیگر  
سازمان های بین المللی به نحو بسیار زتری سمت تحول و راستای تاثیر گذاری عمومی  
سازمان های بین المللی به نحو بسیار زتری سمت تحول و راستای تاثیر گذاری عمومی  
کشورهای جهان سوم را به سود مصالح صلح و ترقی و به زیان و بهره امپریالیسم آشکار می رانند.

\* \* \*

جهان در پالیا نه هزاره دوم میلادی به اوج پیچیدگی و کونا گونی خود رسیده است. اوضاع  
جهان ما اکنون دستخوش گرایش های متضاد و متعدد است. آینه بشریت را کثیری از عوامل بسا  
سطح رشدی یکلی نا موزون رقم می ریزند. کلیت جهان معاصر از تضادها، رویا روشی ها،  
رقابت ها و نیز وابستگی متقابل و همکاری کشورهای آن تشکیل می دهد. جهان معاصر، جهانی  
تقسیم شده و در عین حال تا حد معینی یکپارچه است. تضاد دورقات میان دو گرایش اساسی  
دوران ما، سوسیالیسم و سرما به داری انکشاف می یابد. اما در عین حال همکاری دونظریام  
در راستای حفظ زندگی از خطر نیستی در جنگ هسته ای و در سایر عرصه های عموم بشری گریزنا پذیر  
است. آینه راه خود را از درون این تناقض و به گونه ای نسبتاً کورمال می گشاید. مبارزه  
طبقاتی ناخواست های عموم بشری می آید و طبقه کارگر در پیکار به خاطر رها بی از ستم سرما به  
پیکار با طرهای بشریت از خطر نیستی هسته ای، در پیکار به خاطر پیروزی بشریت، هر زمان  
نقش والاتری می یابد. سوسیالیسم در آینه نیز نیروی اصلی این پیکار تاریخی است.  
تقسیم شدن جهان قتل از همه ناشی از تضاد میان سوسیالیسم و سرما به داری و تفاوت های  
سیدادین این دو نظام اجتماعی - اقتصادی است. از پیروزی اکثریت امروز امپریالیسم بسا  
تمام وسایل کوشیده است که از طریق محوسوسیالیسم، این تضاد را به سود خود حل کند. اما رویدادها  
تاریخی هر چه پیشترشان داده اند که دوران کنونی دوران گذار از سرما به داری به سوسیالیسم  
است. تضاد میان سوسیالیسم و امپریالیسم نمی تواند دنیا یید جنگ و یا حتی خطر وقوع آن را هم  
توجیه کند. این به معنای نا بودی همه بشریت و زندگی روی زمین است. تثبیت و تحکیم صلح  
جهانی را رینفای بشریت است. سوسیالیسم در سر خوردن این تضاد، صلح کامل هسته ای و  
سیمای تا پایا نه هزاره سوم، رقابت مسالمت آمیز، حل و فصل مسایل بین المللی از طرق سیاسی  
و سبب همکارها میان دو سیستم در جهت منافع بشریت مطرح می کند.

تقسیم شدن جهان همچنین ناشی از شکاف روه رشد کشورهای "جهان سوم" با امپریالیسم است.

## فصل چهارم

### ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور

ایران به لحاظ داشتن منابع غنی نفت و گاز و به جهت موقعیت جغرافیایی، سیاسی در منطقه خاورمیانه و در عرصه بین‌المللی از اهمیت استراتژیک خاص برخوردار است. علمبرعم مکان‌ناب و وسیع و منابع سرشار برای رشد کشور و سودرسانی راجتکشان، به دلیل طبع غارتگرانه امپریالیسم و حاکمیت رژیم‌های صدمردمی و صدمیلی، کشور ما از عقب‌ماندگی دربار ک اجتماعی و اقتصادی رنج می‌برد.

#### ۱- ساختار اقتصادی کشور:

ایران کشوری است سرمایه‌داری که در آن مناسبات سرمایه‌داری از دهه ۴۰ به بعد، نشانه شیوه غالب و به شیوه اصلی تصاحب دسترنج کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. لذا ذاتی در ساختار اجتماعی-اقتصادی کشور، تضاد کار و سرمایه است. تا این وجود ساختارهای شیوه اقتصادی ماقبل سرمایه‌داری، سبزه مربوط به مزاج اولیه سرمایه‌داری، همچنان گسترده است. رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران طی دهه‌ها و اساساً از انقلاب یعنی با تکیه بر سرمایه‌داری فئودالیستی دیکتاتوری شاه و منابع درآمد نفت و ذخیره بیوفندی کامل با انحطاطات امپریالیستی و زطرتی اعمال فئودالیست برای ساختار طبقات حاکمه و به گونه‌ای نشان آن صورت گرفته است. یا رشدشان این سرمایه‌داری که وابستگی با زرتیست حقیقت آن است. در نهایت آخر قبل از انقلاب در بخش تجارت خارجی، صنایع مونتاژ و ساختاری، کراس انحصاری بنیاد زرتیست. در این سالها روند ادغام سرمایه‌های بانکی و صنعتی آغاز شد و الیگارش مالی شروع به شکل گیری نمود.

سرمایه‌داری سنتی ایران طی حدود یک قرن اخیر به علت تقویت و تسلط استعمار، قادر نشدند راه رشد خود را به طور طبیعی طی کنند و از مراحل تولید کارگاهی به تولید انبوه صنعتی و به مزاج حل بعدی تکامل آن گذر نماید. تولید کرده کالای و سرمایه‌تاری-ملکی که در نتیجه مناسبات فئودالی شکل گرفته بود، علمبرغم گسترش روند زوال این مناسبات همچنان با تطبیق خودتولید شرایط جدید، ولی عمدتاً با تکیه بر تکنیک عقب مانده و منابع و سازار داخلی، بخش عمده‌ای از نیروی کار را در خود سازمان داده است.

تکامل سرمایه‌داری در ایران، هم به لحاظ کتاب و شیوه رشد در ساختارهای سنتی و مدرن و هم به لحاظ میزان گسترش در بخش‌های مختلف اقتصاد دوماً طبق مختلف کشور، تکاملی به شدت ناموزون، گسخته و سیمارگونه است. تمرکز سرمایه در تجارت و خدمات به مراتب بیش از صنایع است.

سیستم بانکی نیز عمدتاً در خدمت سرمایه‌تاری بوده است. تولید صنعتی در ایران عمدتاً منابع مصرفی، سبک و مونتاژ و به طور کلی برای بازار داخلی بوده است. بازار خارجی سرمایه‌داری ایران بسیار محدود و همواره با تولیدات ساختارهای سنتی ارتباط داشته است. در اقتصاد سرمایه‌داری ایران نسبت تولید و صادرات تولید به تولید کارگاهی مصرفی، فوق‌العاده پایین است. صنایع ایران تماماً به ماشین‌آلات و تکنولوژی خارجی متکی است.

بخش‌های مختلف صنعت در ایران از یکدیگر گسخته و بدویکل هر کدام به طور جداگانه در خارج از کشور بسته می‌شود. بین تولیدکنندگان و زرتی، تولید صنعتی و خدمات پیوند رگانه‌ای وجود

این تضادگانه ناشی از حمله توسعه طلبانه و استعمارگرانه امپریالیسم است. عملاً توسعه بررگستر دنا را به منطقه فقر تبدیل کرده است. امپریالیسم این مناطق را "قلمرو منافع حیاتی خود" می‌شمارد و آنها را برحمانه غارت می‌کند. سرمایه‌فراملی این کشورها را منبع عمده مواد خام و نیروی کار ارزان قرار داده است.

لین تضاد خلقهای کشورهای رتدیا بنده، که علیه امپریالیسم و در راه رها نشی کامل ملی مبارزه می‌کنند، را در کنار سوسیالیسم جهانی قرار می‌دهد و آنها را به طور عینی متحد می‌داند.

وبالآخره باید تقسیم‌جهان در اثر تضادهای میان مراکز عمده سرمایه‌داری جهانی و سیرمیان گروه‌بندی‌های سرمایه‌انحصاری فراملی را در نظر گرفت. جهان سرمایه‌داری عملاً به مرکز عمده تقسیم شده است. برتری مالی و تکنیکی آمریکا بر دو مرکز دیگر، که بعداً جنگ تا اواخر دهه ۶۰ ادامه داشت، اکنون آشکارا تضعیف می‌شود. با این حال قدرت اقتصادی و نظامی امپریالیسم آمریکا همچنان بر دو مرکز دیگر، ژاپن و اروپا، عملتحمیل می‌شود.

تضاد میان سوسیالیسم و امپریالیسم، منافع مشترک قدرتهای امپریالیستی در مقابل با خیزش "جهان سوم" و نیز توسعه فراملی شدن سرمایه، در واقع فعلی، حاکی از آن است که گرچه رقابت‌های اقتصادی میان سه مرکز عمده سرمایه‌داری معاصر، حادث می‌شود، اما این تضاد تحت الشعاع دیگر تضادهای جهان را تقسیم می‌کنند، قرار گرفته و به رودررویی سیاسی و با نظامی گسترش نیافته است.

گروه‌بندی‌های مختلف سرمایه‌انحصاری که حمله چند ملیتی و ابعادی عول آسیا یافته‌اند، نیز هر یک می‌کشند قلمرو خود را توسعه دهند. در این زمینه رقابت و منازعه میان مجتمع‌های نظامی-صنعتی و سایر گروه‌بندی‌های سرمایه‌انحصاری برجسته تر است. این پدیده نیز در اوضاع بین‌المللی و روندهای آن اثر می‌کند.

سنت عمومی تحول سیمای جهان معاصر را مهم‌ترین تضادهای آن تعیین می‌کنند. در ایس تحول نیروهای محرکه روند انقلابی جهانی، نیروی بالنده به شمار می‌روند. این نیروها عبارتند از: سوسیالیسم جهانی، جنبش کارگری و کمونیستی در کشورهای سرمایه‌داری، کشورهای رها نشی یافته و جنبش‌های رها نشی بخش‌های توده‌ای دموکراتیک که در راه صلح، دموکراسی، استقلال پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم بیگانه می‌کنند. طبقه کارگر جهانی نیروی محرکه اصلی گسترش روند انقلابی جهانی است. جنبش کمونیستی و کارگری بین‌المللی در عمل نیروی سمت‌دهنده و موثرترین نیروی روند انقلابی جهانی است.

تحلیل عمده‌ترین روندهای که در جهان معاصر انکشاف یافته و نیز انکشاف می‌یابند، نشان می‌دهد که گذر خلق‌ها از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و کمونیسم، مسأله تاریخی میان سوسیالیسم و سرمایه‌داری، بسط مبارزه خلق‌های تحت‌ستم برای رها نشی و شکوفایی ملی، رشد جنبش‌های توده‌ای و دموکراتیک علیه امپریالیسم و سیاست‌های غارتگرانه و تحار و کاروانه آن، و در راه صلح، دموکراسی، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم، سمت محتوای اصلی و کیفیت سیر تحول جهان در دوران معاصر را تعیین می‌کنند. علمبرغم تمام بی‌ثباتی‌ها و فرا زوشیب‌های تحولات جهان معاصر، سیر کلی رویدادها در قرن حاضر، امید به پیروزی مبارزه در راه حفظ صلح در جهان و پیشرفت روند انقلاب جهانی را با رورتر و نیرومندتر می‌سازد.



می‌کند. این رژیم سبزه‌اهرم‌های قدرت را پیش از همه در خدمت منافع آرمدا نه‌خس‌های  
نا‌رشدیا فته‌ترنرما به‌داری ایران به‌منظور تسریع رشد آنان و علی‌ه‌منافع طبقه‌کارگر، تسبوه  
دهقانان و سایر زحمتکشان و در جهت غارت و حشانه‌وی‌سند و آرتان‌ها را انداخته است.

در جمهوری اسلامی و استکی زبان‌ها را اقتصاد کشور به سیستم‌های امپریالیستی حفظ  
می‌شود و طبقه‌انحما را تفراتی برپا زار تولید و سر تولید سرمایه‌داری ادامه می‌یابد.

در جمهوری اسلامی اقتصاد کشور در بحرانی همه‌جانبه و عمیق فرو رفته، سطح تولیدات تنزل  
یافته و موانع تازه‌ای فرا روی رشد نیروهای تولیدی کشور دیده‌آمده است. تضاد نظام سیاسی  
مبتنی بر ولایت فقیه و الزامات رشد اقتصاد - اجتماعی کشور، منشاء مهم تشدید بحران است.  
جنگ ایران و عراق به‌منابع عمده‌ترین عامل ویرانی کشور، بارزترین نمود تضاد عمیق میان  
منافع ولایت فقیه و نیازهای رشد اقتصاد - اجتماعی است. سبیل اخراج و بیکاری کارگران،  
ورشکستگی و حاشیه‌حرافی وسیع دهقانان، عاطل ماندن نیروی فکری و خلاقه روشنفکران و بیسر  
کاهن مستمر سطح زندگی تمام اقشار مردم، نتیجه‌و حاصل تشدید بحران اقتصاد - اجتماعی کشور  
و بی‌آمدن مستقیم ادامه حاکمیت جمهوری اسلامی است.

رژیم جمهوری اسلامی رژیم ولایت فقیه است. رژیمی است خودکام که در آن قانون‌گذار،  
دستگاه اجرایی دولت، قوه قضائیه، نیروهای مسلح و به‌طور کلی تمام اهرم‌های قدرت سیاسی در  
اختیار و زیر کنترل و فرمان و اراده یک فرد به نام ولی فقیه قرار گرفته است. ولایت فقیه نقض  
آشکار و روشن حق مردم برای انتخاب آرا دارانه حکومت دلخواه خویش است. ولایت فقیه حق مسلم در  
تعیین سرنوشت خویش را، آسانا، با کار می‌کند. ولایت فقیه حش‌ترین نوع حکومت مطلقه و  
استبداد دینی است. ولایت فقیه رژیمی است مبتنی بر حاکم و مقرراتی که از زلی و اب‌دی اعلام  
شده اند و جامع‌ا هرگونه حتی برای تغییر و حتی تمحیح آنها در جهت رفع تضاد عمیق آن با واقعیات  
زندگی معاصر، محروم‌کننده است.

رژیم ولایت فقیه بنا به ماهیت خود، رژیمی است که هم‌ریسی مسائل آت میربا دیگر کشورها را  
رد می‌کند و جنگ را به‌مثابه رحمت الهی می‌تاید. آرتان این رژیم آن است که حتی از طریق جنگ،  
ولایت فقیه را به‌سایر کشورها صادر کند و پیروان با برعقا بدرا تحت سیطره فقه‌ای شیعه یک‌کشا سبب.  
حنگی که در عین حال به‌عنوان ازار رژیم برای فریب خلق و مهاجران‌های داخلی سبزه‌کار  
می‌شود.

رژیم ولایت فقیه بنا به ماهیت خود، رژیمی است سرکوبگر. غیرموجود طبقات اجتماعی و  
تفاده‌ای طبقاتی که جامعه را به‌طور عینی تقسیم می‌کند، ولایت فقیه حق احزاب سیاسی که از منافع  
طبقات اجتماعی مختلف دفاع می‌کنند، را نقض و نکا می‌کند. شدیدترین پیگردها متوجه نیروهای  
مترقی است. کمونسیم‌ستیزی و نه‌سر و من‌سیاست و ایدئولوژی این رژیم است. شکنجه و اعدام  
اسزراه‌ای رسمی و قانونی حفظ حاکمیت ولایت فقیه است.

ولایت فقیه حق بیان و عقیده، آزادی مطبوعات و اجتماعات، حق تشکیل صنفی و سندیکایی  
را رد و آن را الگد مال می‌کند. ولایت فقیه حقوق فرد برای انتخاب آرا دارانه روش زندگی شخصی و  
امور خصوصی را نقض می‌کند. زبان را رسماً شهروندان درجه ۲ می‌شاند و دوزخ‌ترین و توهین‌آمیزترین  
مفردات را علیه آنان به‌کار می‌بندد. ولایت فقیه حقوق اقلیت‌های ملی و مذهبی را به رسمیت  
نمی‌شناسد و آنها را تحت حش‌ترین ستمکاری و تبعیض قرار می‌دهد. سرکوب خویش مردم کردستان،  
ترکمن مجرا، بلوچستان و خلق عرب خورستان و اقلیت‌های مسیحی، یهود و حتی سنی، نمونه‌ساز  
ماهیت ضد مکرراتیک و ضد خلقی ولایت فقیه است.

تعدیس و تلافی برای کارست معیارهای اخلاقی، اجتماعی و اداری عصر فئودالیسم، عصر  
برده‌داری و حتی مربوط به عصر حجر در جامعه‌ی امروزی، وجه متمخه جمهوری اسلامی است. این رژیم

رسماً و با غلام‌مروج رشت‌ترین پدیده‌های ضد اخلاقی، رفتارهای ضد انسانی، با شاعه فحشا را عینیت‌یاد و  
سایر معاصد اجتماعی است.

رژیم ولایت فقیه رژیمی است برپا به‌تاریک اندیشی، سبزه‌با علم و بی‌فکرت از فرهنگ، و سبزه  
ملی و مترقی. این رژیم کتخینه‌غنی فرهنگ ایران را تحقیر می‌کند و با علم و جهل بی‌بسی علمی  
می‌ستیزد. این رژیم با سواستفاده از احساسات مذهبی مردم، اخراقات قرون وسطایی را زیر و خنج  
می‌کند. نویسندگان، دانشمندان، شعرا و هنرمندان کشور در معرض اذیت و توهین و بی‌بگریز جمهوری  
اسلامی قرار می‌گیرند. بسیاری از هنرها در جمهوری اسلامی عملاً جز "گناه کبیره" نیستند.

سرسی مجموعه خصوصیات و عملکرد جمهوری اسلامی و نیروهای متشکله آن، نشان می‌دهد که  
این حاکمیت قبل از همه مدافع منافع روحانیت و عمده‌ترین با بگانه اجتماعی آن، یعنی  
نخستین از بورژوازی بزرگ و متوسط و کوچک و مالکین اراضی است که عمدتاً با اختراهای مبتنی  
و نا متکا مل نظام سرمایه‌داری ایران را در سر می‌گیرند. بدین لحاظ از نظر طبقاتی حاکمیت  
گذشت نیست و کرایش‌های متعلق به اقشار مختلف بورژوازی در آن حضور دارد. سبزه‌با

این وضعیت در حکومت جناح سبب ایجاد کرده است. یک جناح از فقه‌ای حاکم به‌بیشتر از  
منافع سار اربان و ملاکین دفاع می‌کند و جناح دیگر طبقاتی است که می‌کوشد در جمهوری اسلامی  
منافع بخش وسیع‌تری از سرمایه‌داری ایران تامین شود.

سبب نقش دولت در اقتصاد کشور و در عمل بورژوازی، طرق رشد سرمایه‌داری، بشیوه تلفیق  
دستگاه روحانیت و دستگاه دولت و نیز سرمایه‌داری، از عمده‌ترین سرچشمه‌های تضاد و کشاکش  
جناح‌ها در داخل حکومت است. جناح‌های جمهوری اسلامی همه‌فا قدح صلبت دموکراتیک و  
ترقی‌خواها به‌شند. در نتیجه پیشرفت سرمایه‌داری قدرت و گسترش رونق بنا به ثبات سرمایه‌داری  
تحول سیاست جمهوری اسلامی در راستای تقویت منافع و مواضع اقشار فوقانی جامعه، یعنی  
کلان سرمایه‌داران و سررک مالکان است.

مجموعه ملاحظات فوق، سبباً نکرتما دمیسی جمهوری اسلامی (ولایت فقیه) با منافع، تونده‌های  
خلق و نیازهای رشد اجتماعی و اقتصاد کشور است. این رژیم منافع عمده تکامل و شکوفایی جامعه  
با وسع عمده راه تحقیق مرم‌ترین نیازها و آرزوهای همه مردم ایران است. شرط مقدم هرگونه  
تحول انقلابی و دگرگونی‌های سبب ماسرکونی رژیم جمهوری اسلامی است.

۴- آرایش طبقاتی جامعه:

بسی‌مدیررک انقلاب سبب و سبباً استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی دگرگونی‌های بزرگی است  
که در ساختن و آرایش طبقاتی جامعه دیده‌آمده است. طبقات و اقشار عمده جامعه ما عبا رشتند از طبقات کارگر،  
بورژوازی، خرده بورژوازی، روشنفکران، دهقانان، اقشار راحاشه‌ای شهری.

طبقه‌کارگر:

رشدناتان و حشگرشما رکارگران و نیز رشد نسبی تمرکز کارگران در واحدهای بزرگ  
صنعی، در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نقش و وزن طبقه‌کارگر در اقتصاد و در حیات اجتماعی را افزایش داد.  
در این دوده‌ها شمار بزرگی از دهقانان و اقشار ریحایی به‌صوف طبقه‌کارگر سبزه‌با شدند. طی آن طبقه  
کارگر جوان رشد، به‌گونه‌ای که اکثریت بزرگ آن دارای کمتر از دوده سابقه‌کارگری و عموماً  
دارای حوشنا و سبب سردک‌سوده دهقانان و اقشار غیر پرولتری شهری است.

استقرار ولایت فقیه، بی‌آدمهای جنگ و اوضاع اقتصادی کشور، در دهه ۶۰ سبب تمرکز کارگران  
در واحدهای بزرگ‌نا شرمخرب داشته و شما روسیعی از کارگران را سبباً رویا به‌صوف اقشار غیر  
کارگری جامعه‌ارنده است. سبباً انقلاب سبزه‌با کارگران در واحدهای تولیدی کوچک و متوسط



عموما گسترش داشته است. بحران اقتصادی، جنگ و سیاست‌های ضدگراگری رژیم، فشار اقتصادی را بر طبقه کارگر به شدت افزایش داده و بخش بزرگی از کارگران ایران را به پذیرش شغل دوم و کسب مزد درآمد غیرگراگری وادار کرده است.

عمده‌ترین لایه‌های طبقه کارگر ایران عبارتند از کارگران صنایع، کارگران خدماتی، کارگران صنوف و واحدهای کارگاهی (تولیدی و خدماتی)، کارگران ساختمانی و کارگران

کشاورزی.

گرچه در صد کارگران واحدهای بزرگ در کل طبقه کارگر ایران پائین است، اما نقش آنان، بویژه نفتگران، در اقتصاد کشور بسیار بالاست. کارگران واحدهای بزرگ صنعتی پیشروترین بخش طبقه کارگرند. بخش اعظم این لایه در واحدهای دولتی کار می‌کنند. زمین‌بسته شکل پذیری آنان بالاست، اما هنوز فاقد سازمان‌های صنفی مستقل خود هستند.

اکثریت بزرگ طبقه کارگر ایران در واحدهای تولیدی و خدماتی کوچک پراکنده است. پراکندگی فوق‌العاده، تکنیک پائین و بافت سنتی اکثریت این واحدها، درجه شکل‌پذیری کارگران این واحدها را پائین و زمینه نفوذ تالیات سا بر طبقات اجتماعی را در میان آنان بسیار بالا می‌برد.

کارگران ساختمانی که عموماً به کار میمانند و با موقت مشغولند، با اوضاع خرابی‌های روستا فیان پیوند نزدیکی دارند. کارگران کشاورزی نیز بخش دیگری از طبقه کارگر به شمار می‌روند. آنها عموماً مشاغل موقت و با فصلی دارند. کارگران کشاورزی دانشی هنوز کم‌نمای بی‌سازمان را تشکیل می‌دهند. سطح درآمد و زمین‌بسته شکل‌پذیری و جذب حطت طبقاتی در میان آنها بوده کارگران ساختمانی و کشاورزی، در مقایسه با سایر لایه‌های طبقه کارگر نسبتاً پائین است.

طبقه کارگر ایران زیرستم و تحت استثمای رشد سرمایه‌داری و خارجی قرار دارد. فقر و محرومیت طبقه کارگر، پس از استقرار ولایت فقیه و برانجنگ تشدید شده است. در حالی که با زمان یافتگی طبقه کارگر ایران در مقایسه با کشورهای مشابه پائین است. انقلاب سهمین آزمون بسیار بزرگی برای طبقه کارگر بود. انقلاب، که کارگران در تحقق آن نقش قطعی داشتند، سطح‌گامی‌ها را ارتقاء داد و شرایط ذهنی برای سازمان‌یابی و امکان‌پذیر شدن جنبش چپ و افکار سوسیالیستی را با مبارزه کارگران مساعدتر ساخت.

طبقه کارگر ایران، بیش از هر طبقه دیگر، در تحول انقلابی کشور ذینفع است. طبقه کارگر نیروی محرکه اصلی انقلاب و پیگیرترین نیروی مدافع صلح، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود.

طبقه کارگر می‌تواند با بهره‌گیری از انقلاب ایران را بر عهده گیرد. طبقه کارگر یک طبقه ای است که قادر است انقلاب دموکراتیک را به سوی پیروزی قطعی و نهایی، به سوی سوسیالیسم هدایت کند.

### بورژوازی:

انقلاب بهمین وضع بورژوازی ایران را در گروگان گرفت. سرمایه‌انحصاری وابسته بر انداخته شد، سرمایه‌داری وابسته حاکمیت را از دست داده موقعیت آن در اقتصاد کشور ضوابط جدی وارد شد.

پس از انقلاب در لایه بندی بورژوازی ایران، بورژوازی بزرگ تجاری، به رکن اصلی تبدیل شد، به سرعت فربه شد و برای تسخیر قلمروهای تازه شروع به تعرض کرد. این بورژوازی که امروز منافع کلان سرمایه‌داران ایران را به طور کلی نمایندگی می‌کند، خواهان مشروعیت سرمایه انحصاری، غارت‌خشن و لجام‌گسیخته کارگران و زحمتکشان، حذف و تحدید بخش دولتی اقتصاد و حفظ

بورژوازی و اسکلی اقتصاد دموکراسی‌گرا می‌باشند. بورژوازی بزرگ تجاری دارای مواضع بیرومند و در حکومت است. یکبارچه ارتجاعی است و مخالف انقلاب و هر نوع تحول دموکراتیک در جامعه ما است. انقلاب می‌باید مواضع قدرت آن را در سانس و در اقتصاد کشور، سانس بکشد.

پس از انقلاب و سراسری گسترش نقش دولت در اقتصاد کشور، سانس تازه‌ای از سرمایه‌داران بورژوازی (دولتی) روست گسترش یافت. با مصادره بخش عمده‌ای از صنایع بزرگ و بانک‌ها و سایر توجیه سیاست سمت‌گیری رژیم، با هم‌زمان سرمایه‌های دولتی شده همچنان طبقه اصلی تولید و مالک اقتصاد کشور به‌شمار می‌روند.

رشد سرمایه‌داری دولتی، با توجه به ماهیت رژیم، زمینه پرورش نسل تازه سرمایه‌داری بورژوازی ایران را فراهم ساخت. پست‌های حاکمیتی اکنون در دست ملایان و بیزاران و سراسر آلوده را در کل و تا جزا دکاتی است که در غرب تحصیل کرده‌اند، آنها فشرده از طبقه حاکمه به‌نام بورژوازی دولتی با بوروکرات‌ها را تشکیل می‌دهند که از طریق سوءاستفاده از بودجه و درآمدهای مؤسسات دولتی و با اربط طریق رشوه و زدوبند، ثروت‌های کلان به جیب می‌زنند و فربه می‌شوند. جنگ و فساد رژیم، مساعدترین شرایط را برای غارتگری بورژوازی دولتی فراهم کرده است. بورژوازی بوروکرات حطت اسکلی و ارتجاعی و ضد خلقی دارد و انقلاب می‌باید به نقش آنان در حطت‌ها، اقتصادی و اجتماعی کشور پایان دهد.

موقعیت بورژوازی بزرگ صنعتی با انقلاب تضعیف شد. واحدهای بزرگ صنعتی، که عموماً با دولتی هستند، توسط تجار بزرگ هدف‌گیری شده‌اند. با این حال با توجه به ماهیت رژیم کنونی و وضع کشور، رشد سرمایه‌های بزرگ صنعتی کند است.

انقلاب و سرکونی سرمایه کلان وابسته و برجیده شدن سرمایه انحصاری، شرایط بسیار مساعدی برای رشد سرمایه‌های میانی و پائینی بورژوازی فراهم آورد. گرچه جنگ، سیاست امپریالیسم و وضع عمومی اقتصاد کشور، یک‌تاری بورژوازی تجاری و بوروکراتیک و سلطه ولایت فقیه، مواضع عمده‌ای در راه رشد این بخش از بورژوازی ایران پدید آورده‌اند، با این حال این لایه بسیار دربر توجیه‌های انقلاب بهمین و به‌تکامل اعمال نفوذ در دستگاه حاکمه در مجموع، در پهنای رشد کرده و سهم بیشتری در اقتصاد کشور بر عهده گرفته‌اند.

بخشی از این لایه‌ها که بیشتر در بافت قدیمی شهرها جای گرفته‌اند، با روحانیت و بی‌سازمان پیوندهای تنگاتنگ تاریخی داشته‌اند و پس از استقرار ولایت فقیه موقعیت ممتاز اجتماعی کسب کرده‌اند. آنها پایگاه رژیم اندوخته‌های بورژوازی را در زمان بافته به‌یاد رژیم عمل می‌کنند؛ اما منافع عمومی لایه‌های میانی و پائینی بورژوازی ایران در تقابل با جنگ، استبداد سیاسی و به‌طور کلی، در تقابل با رژیم ولایت فقیه قرار دارد. اکثریت بزرگ این لایه‌ها مخالف ولایت فقیه است و گرایشات لیبرالی و دموکراتیک دارند و از برخی خواست‌های دموکراتیک و ملی، همچون آزادی سیاسی و استقلال پشتیبانی می‌کنند.

آنها گرچه ممکن است در انقلاب‌آتی شرکت کنند، اما قطعاً قادر به تحول انقلابی جامعه نیستند. شرکت آنان در برخی اطلاعات ملی و دموکراتیک لزوماً با نوسان و تردید همراه است. دهقانان:

دهقانان در کشور ما نوده وسیعی هستند که به لایه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند و وجه مشترک آنان کار روی زمین است. دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، دهقانان میان‌حال و دهقانان مرفه عمده‌ترین لایه‌های دهقانان به‌شمار می‌روند.

دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین بر شما رترین قشر دهقانان به‌شمار می‌روند. کار روی مایملک شخصی کم‌بازدیگی آنان را نمی‌دهد و بدین لحاظ مجبور به کار روی زمین‌های دیگران (سهم‌بری،



در رده‌های بالایی دستگاه بوروکراسی و ارتش و نیز برخی موسسات عمده خصوصی تمايلات ضد دموکراتیک، محافظه کارانه و ارتجاعی مسلط است. عناصر این رده‌ها که بخش کوچک مجموعه کارمندان را تشکیل می‌دهد، در روند گسترش جنبش و انقلاب عموماً در مقابل آن، در خدمت ارتجاع خواهند بود.

#### اقتشارحاشیه‌ای:

رشد سرمایه‌داری وابسته، از "بالا" ماحضان واحدهای تولیدی خرد و شهروروستا را خانه خراب می‌کند و به افلاس می‌کشد، بدون آنکه قادر باشد دهه‌آنان را در تولید سرمایه‌داری جذب کند. این نوع رشد که ایران آن را در دهه‌های اخیر تجربه کرد، زندگی خیل وسیعی از دهقانان را بر باد داد و آنان را به سوی کمربند فقر که برگرد شهرهای بزرگ بسته می‌شد، برتاب کرد.

این گروه تهیدست بی‌آنکه شغل پایداری برای خود بیابند، در حاشیه طبقات زحمتکش قرار گرفته و زندگی فلاکت‌باری را می‌گذرانند.

اقتشارحاشیه‌ای جز طبقه کارگر، خرده بورژوازی شهری و گروه‌های اجتماعی بی طبقه نیستند. آنها در بافت طبقاتی جامعه در حاشیه اقتشار طبقات زحمتکش شهری قرار گرفته و به طرق مختلف و عموماً به طور موقت، در سازمان اجتماعی کارسپیم هستند. بر میزان اقتشارحاشیه‌ای مرتباً افزوده می‌شود.

رژیم ولایت فقیه می‌کوشد، اقتشارحاشیه‌ای را با توسل به باورهای مذهبی‌شان جذب کند و از نیروی آنها به سود خود بهره‌برداری نماید. آنها نقش فعالی در انقلاب بهمن داشتند.

این اقتشارداری تمايلات طفیان گرا یا نه علیه نظام سرمایه‌داری هستند. این تمايلات را می‌توان در خدمت طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش سازمان داد. آنها قدرت جذب در جنبش انقلابی را دارند. در عین حال تجربه‌شماری از کشورها نشان می‌دهد که این اقتشار ممکن است در شرایطی همچون لمپن پرولتاریا به اهرمی در دست نیروهای فاشیستی و خودکام تبدیل شوند.

شمار لمپن پرولتاریا نیز بعد از انقلاب با توسعه کارهای انگلی افزایش یافته است. تجربه نشان می‌دهد که لمپن پرولتاریا در بیکارمیان طبقات اجتماعی عموماً در خدمت ارتجاع قرار گرفته‌اند.

### فصل پنجم

#### برای پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک با چشم‌انداز سوسیالیستی

برای تحقق خواسته‌های توده مردم و غلبه بر بحران، جامعه ما درعرصه‌های گوناگون حیثیات اجتماعی، به یک تحول انقلابی و دموکراتیک در راستای سوسیالیسم نیازمند است. شرط ضرور تحول انقلابی و دموکراتیک در جامعه ما، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، پایان دادن به حاکمیت کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و انتقال قدرت به طبقات و اقشار دموکراتیک جامعه ما است. استقرار دموکراسی کامل سیاسی، تأمین استقلال اقتصادی کشور و دموکراتیزه کردن حیثیات اقتصادی و اجتماعی جامعه ما، ایجاد پیوند نزدیک با نیروهای مترقی و انقلابی جهان از سرم‌ترین وظایف انقلاب در کشور ما است.

انقلاب در کشور ما با توجه به سرشت دوران کنونی و به جهت سطح تکامل جامعه، خصمیت تضافات و آرایش نیروهای طبقاتی، انقلابی است دموکراتیک، فدا می‌ریالیستی با چشم‌انداز سوسیالیستی. انقلاب دموکراتیک و پیروزمند و انقلاب سوسیالیستی در کشور ما، دو مرحله از یک روند واحد است.

ضروری است که انقلاب دموکراتیک با فرا رویی آن به سوسیالیسم گره خورده است. انقلاب ایران انقلابی بورژوازی نیست و با ختم بلاواسطه سوسیالیسم نیز در دستور آن قرار ندارد. انقلاب ایران راه سرمایه‌داری را قطع می‌کند و از طریق انجام یک رشته وظائف انتقالی، شرایط ضروری برای گذر به سوسیالیسم را آماده می‌کند.

نیروهای محرکه انقلاب ایران عبارتند از طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی، روشنفکران خلقی و سایر اقشار زحمتکش شهری. طبقه کارگر ایران انقلابی‌ترین و پیشروترین طبقه و نیروی اصلی انقلاب است. بخش‌های ارتش و بورژوازی ملی نیز که در برخی اصلاحات ملی و دموکراتیک دخیلند، ممکن است در انقلاب شرکت کنند ولی آنها قادر به تحول انقلابی جامعه ما نیستند.

در انقلاب ایران علاوه بر طبقه کارگر، نیروهای طبقاتی دیگر نیز شریک و ذینفعند و تلاش می‌کنند سرکردگی خود را در انقلاب تأمین کنند. سرنوشت انقلاب با امر سرکردگی آن گره خورده است. پیشرفت پیگیری و به فراجام رسانیدن انقلاب دموکراتیک در گرو تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب و در قدرت سیاسی است. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با تمام قوا در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب به مثابه اساسی‌ترین وظیفه استراتژیک خود، مبارزه می‌کند. انجام این وظیفه، مستلزم آن است که طبقه کارگر متحد شود، نابینگی بورژوازی ملی را خنثی سازد و بتواند سایر اقشار خلق را به سوی خود جلب کند.

برای دستیابی به این هدف، سازمان پیگیرانه در راه تأمین وحدت همه پیشروان سوسیالیسم علمی، در حزب واحد طبقه کارگر، در راه بسیج طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق تحت رهبری پیشاهنگ طبقه کارگر ایران مبارزه می‌کند.

اتحاد نیروهای محرکه انقلاب در جنبه متحد خلق که استخوانبندی آن را اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل می‌دهد، لازم‌الاین انقلاب است. تأمین این اتحاد از وظایف اساسی پیشاهنگ طبقه کارگر است. در راه رسیدن به این جنبه، سازمان از تأمین و گسترش همکاری و اتحاد عمل با تمام نیروهای مترقی کشور، علیه رژیم جمهوری اسلامی استقبال می‌کند.

حاکمیت انقلابی خلق، بر اتحاد و اراده واحد طبقه کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلقی متکی است و ابزار آن دولتی دموکراتیک و انقلابی است که با بدبختی طبقه کارگر برای مرحله کنونی انقلاب راه اجرا گذارد. درجه پیگیری این دولت در اجرای برناممه مذکور، با میزان سهم و بخش طبقه کارگر و پیشاهنگ آن در این حاکمیت، بستگی می‌یابد.

انقلاب کارآفریننده بوده است. قهرمانی افراد و یا عزم سازمان‌های سیلی هستند و آمادگی شرایط عینی انقلابی، قادر به تحقق انقلاب نیست. انقلاب نیازمند آمادگی شرایط عینی و ذهنی انقلابی است.

رژیم جمهوری اسلامی امکان اعمال اراده مردم را با سرکوب قهرآمیز سلب کرده است. حاکمیت موجود برای ادا به حیات خود، اساساً، به اعمال قهر ضد انقلابی متکی است. تنها راه انتقال قدرت سیاسی به خلق اعمال قهر انقلابی است. سازمان در بیکار علیه رژیم حاکم تمام اشکال مسالمت‌آمیز و قهرآمیز مبارزه توده‌ای را به کار می‌گیرد.

#### فصل ششم - برنامه حاکمیت انقلابی خلق

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعتقاد راسخ دارد که شرط ضروری برای انجام تحولات دموکراتیک و انقلابی در جامعه ما، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حاکمیت انقلابی خلق است. مقدم‌ترین وظیفه این حاکمیت، قطع فوری جنگ ایران و عراق و پذیرش صلح و اعلام آزادی کامل سیاسی است.

شکل حاکمیت انقلابی خلق، جمهوری و ابزار اعمال آن، دولت دموکراتیک و انقلابی است که

سازیم کس ماسن حکومتی و نظام سیاسی؛  
۱- تشکیل شورای عالی نمایندگان خلق به معنای نمایندگی تمام مردم، با اختیارات کامل در زمینه تدوین و تصویب کلیه قوانین، نظارت بر صحت اجرای آنها، و در زمینه بررسی حساب دولت و همه مقامات طراز اول حکومتی.  
۲- تشکیل شوراهای نمایندگان خلق در سراسر کشور و احوال قدرت دولتی در اداره کلیه امور محلی به آنها.

#### الف - در زمینه سیاسی

- ۳- تأمین حق رای همگانی، برابر و مستقیم و مخفی در انتخابات شورای عالی نمایندگان خلق و تمام ارگانهای خودگردان محلی و تأمین حق انتخاب شدن در تمام انتخابات برای کلیه افراد ۱۸ سال به بالا.  
۴- تشکیل نیروهای مسلح خلقی به جای سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی.  
۵- تأمین استقلال کامل قوه قضایی کشور و انتخاب مستقیم قضا و هیئت های مستقیم توسط مردم.  
۶- تفکیک دین از دستگاه دولتی.

#### حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی:

- ۱- انحلال بلادرنگ نهادهای سرکوب و تشکیلات عقابد و علو کلیه قوانین و احکام ارتجاعی معایر حقوق خلق.  
۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو بگرد تمام عناصر مترقی و انقلابی، اعماده حبس و تأمین حقوق با مال شده آنان.  
۳- تأمین و تضمین آزادی تشکیل احزاب سیاسی و سندیکا، اتحادیه و سایر تشکلهای صنفی، اجتماعی و سیاسی.  
۴- ممنوعیت هرگونه شکنجه و تشنیش عقابد، ممنوعیت دخالت دولت در زندگی خصوصی افراد، تأمین آزادی بیقید و شرط بیان، عقیده، دین، قلم، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات، حق اعتصاب، انتخاب شغل، محل سکونت، مسافرت، تابعیت، انتخاب لباس، آزادی دفاع در محاکم و برخورداری از امنیت شغلی.  
۵- لغو هرگونه تبعیض در حقوق فردی و اجتماعی افراد بر پایه مذهب، عقیده، جنسیت، نژاد، ملیت و موقعیت طبقاتی.

#### سیاست خارجی:

- ۱- دفاع از تمامیت ارضی کشور، کوشش در راه تحکیم استقلال سیاسی و تأمین استقلال اقتصادی کشور.  
۲- لغو وضع انعقاد قراردادهای نابرابر و نابرابری برای استقلال سیاسی و رشد اقتصادی کشور.  
۳- اتخاذ سیاست خارجی بر پایه اصول همزیستی، ممالمت آمیز، عدم تعهد، عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها و احترام به حق حاکمیت آنها، عدم ورود به پیمانهای تجاوزگرانه نظامی و شبه نظامی، شرکت فعال در جنبش غیر متعهدها.

۴- عقد قراردادهای دو جانبه عدم تجاوز و حمله همجوار با تمام کشورهای همسایه و تلاش در راه انعقاد قرارداد امنیت دسته جمعی در خلیج فارس، قیامون هندوستان، آسپا و تبدیل آنها به مناطق صلح.

- ۵- گسترش و تحکیم مسایات برادرانه با کشورهای سوسیالیستی و ترقی خواه سراسر جهان،  
۶- دفاع از ملل محلی و تأمین امنیت و رفاه آنها، جنگ، افروزش و تجاوز و زکراته امپریالیسم جهانی.  
۷- حمایت قاطع از جنبش طبقه کارگر، جنبش های رهاشی، جنبش و جنبش بوده ای، دمکراتیک علیه جنگ، نژادپرستی و امپریالیسم در سراسر جهان.

#### مسئله ملی:

ایران کشوری است کثیرالملله که در آن خلقهای فارس، آذربایجانی، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب با هم زندگی میکنند. آنان دارای سرزمین، زبان، آداب و سنن و ویژه خود هستند و رشته های گوناگون تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها را با هم پیوند میدهد. خلقهای کشور نمیتوانند بر پایه پذیرش داوطلبانه متحد شده و در چهارچوب مبنی واحد، به با هم ختمان جامعیت بین ببرند. برای تأمین این هدف، اقدامات زیربناستی صورت گیرد:

۱- شناسایی حق کلیه خلقهای باکس کشور در تعیین سرنوشت خویش و پایان دادن به هرگونه تبعیض سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین خلقهای کشور، تحقق کامل حق خودمختاری برای همه خلقهای کشور.

- ۲- تضمین حق اقلیت های ملی - مذهبی در برخورداری از کلیه حقوق و آزادیهای فردی و اجتماعی و لغو هرگونه تبعیض قانونی و اجتماعی علیه اقلیت های مذهبی و افراد غیر مذهبی.  
۳- انجام اقدامات ضروری برای غلبه بر عقاید مانده های اقتصادی و اجتماعی ناشی ازستم ملی.  
۴- لغو تقسیمات نفاق افکنانه کشوری و تنظیم آن بر پایه مناطق ملی.

#### ب - در زمینه اقتصادی

براندازی بزرگ مالکی - شوکوفاسازی اقتصاد کشاورزی:

- ۱- اجرای اصلاحات ارضی دموکراتیک به صورت واگذاری املاک زمینداران بزرگ و اوقاف به دهقانان بی زمین و کم زمین.  
۲- لغو بقایای اشکال استثمار فئودالی، لغو سهم بری، نطفه ری، اجاره کاری و غیره.  
۳- تشویق دهقانان به ایجاد و طلبانه تعاونیهای کشاورزی، کمک همه جانبه به این تعاونیها از طریق وام، تأمین ماشینآلات کشاورزی، بذرو کود و سموم، سوخت و غیره.  
۴- لغو باج حرا و دیون و بهره های موقه دهقانان.  
۵- ایجاد موسسات کشت و صنعت، بهره برداریهای بزرگ کشاورزی و دامداری با سرمایه و مدیریت دولت.  
۶- تضمین قیمت و خرید مازاد محصولات کشاورزی توسط دولت، پایان دادن به غارتگری سلف خرها و واسطه ها.  
۷- افزایش سطح زیرکشت کشور با احیا زمین های موات و بایر، مهار آبها، توسعه و ترمیم شبکه های آبرسانی و استفاده کامل از آبهای زیرزمینی.  
۸- ملی کردن جنگلهای، چراگاهها، آبهای زیرزمینی، حفظ واحیای محیط زیست، گسترش جنگلهای و منابع صید.

- ۹- تامین خدمات بهداشتی، آب آشامیدنی، حمام و مدرسه برای مناطق روستائی و عشایری، گسترش و تکمیل شبکه راههای روستائی و تجهیز روستاها به برق و مخابرات .
- ۱۰- دایرکردن آموزشگاههای فنی در مناطق روستائی و تربیت کارمندان تخصصی برای کشاورزان .
- ۱۱- کوتاه کردن دست خاکی و روسای عشایر از زندگی توده‌های عشایری، کمک به اسکان آنان ، تامین خدمات تولیدی و معیشتی و ایجاد واحدهای صنعتی کشاورزی و دامداری به صورت تعاونی و دولتی در مناطق عشایری .
- ۱۲- بهبود شرایط کار و زندگی کارگران کشاورزی و اجرائی، قانون کار و تامین اجتماعی در مورد آنان .

برای تامین استقلال ، رشد و عدالت اقتصادی :

- ۱- لغو کلیه قراردادهای نابرابر و زیانبار ، براندازی مواضع انحصارات دولتی و خصوصی در اقتصاد کشور و عدم اتکا به سرمایه خارجی در توسعه اقتصادی کشور .
- ۲- ملی کردن موسسات و کارخانجات کلان سرمایه داران و اوقاف ، صندوقهای قرض الحسنه ، شرکتیهای بیمه و حمل و نقل عمومی و تمرکز آنها در موسسات واحد ، منع تشکیل بانک و سایر موسسات مالی توسط بخش خصوصی . ملی کردن بازرگانی خارجی و حمایت از تولید داخلی ، اولویت برای رشد صنایع بنیادی در معاملات خارجی .
- ۳- تعیین بخش دولتی و تعاونی به مثابه ارکان اقتصاد کشور و کنترل و نظارت بر بخش خصوصی و تامین شرایط فعالیت آن به عنوان مکمل بخش نخست ، تمرکز رشته‌های کلییدی اقتصاد در مالکیت و مدیریت دولت .
- ۴- تضمین حاکمیت کامل ایران بر تمام روندهای اکتشاف ، تولید ، تصفیه و فروش نفت و گاز ، توسعه پالایشگاهها ، صنایع نفت و گاز و پتروشیمی به منظور جایگزینی صدور محصولات نفتی و پتروشیمی به جای صدور نفت خام طبق برنامه آینده نگرانه برای تامین سرمایه‌های ضروری برای توسعه اقتصادی کشور ، گنجانده شدن سیاست "نفت خام در برابر کالاهای مصرفی" .
- ۵- دگرگون سازی ساختار موزون ، عقب مانده و وابسته اقتصاد کشور از طریق تکیه بر گسترش صنایع پایی و سنگین ، بویژه صنایع ماشین سازی ، صنایع نفت و پتروشیمی ، تغییر خط تولید صنایع مونتاژ به صنایع مستقل با تولیدات کالاهای ضروری ، گسترش مراکز تولید برق و شبکه برق رسانی و شبکه راه‌ها بویژه راه آهن .
- ۶- تشویق ماحیان کارگاههای کوچک صنعتی و خدماتی به تشکیل تعاونیهای تولید ، واگذاری اعتبارات مالی به آنها و تامین مواد اولیه و وسائل کار مورد نیاز آنان ، ایجاد امکانات و تسهیلات لازم برای گسترش صنایع دستی ، هنری و ملی .
- ۷- سپردن توزیع عمده کالاهای وارداتی و محصولات واحدهای بزرگ تولیدی و تمام کالاهای اساسی به مراکز دولتی ، حمایت و تقویت تعاونیهای مصرفی ، مبارزه با واسطه‌گری در توزیع ، کمک به فروشندگان جزء ، قیمت گذاری کالاهای وارداتی و محصولات داخلی ، گسترش شبکه خرده فروشی دولتی در کنار شبکه خرده فروشی خصوصی و تعاونی .

برنامه ریزی رشد اقتصادی ، بودجه گذاری

- ۱- حرکت در جهت رسیدن به اقتصاد طبق نقشه و برنامه ریزی شده ، تقویت مرکزیت و تقویت دگرگونی در تولید .
- ۲- ایجاد تعاون ضروری میان انباشت و مصرف تولید ملی ، مصرف عمومی و مصرف خصوصی ،

- ۳- توسعه بخشهای مختلف اقتصاد ، سامان بخشیدن به مناطق مختلف کشور و سرمایه‌های توسعه اقتصادی با توسعه اجتماعی و فرهنگی .
- ۴- دگرگونی ساختار روستاها ، ساختار موسسات دولتی و سازمانها ، با برپا کردن کمیته‌های توسعه روستا ، اسفاده از راههای طبق ، جمع‌برداری دولتی با کارهای و فواید به خلق .
- ۵- بهره‌جویی از دستاوردهای انقلاب علمی - فنی در تولید ، اطلاع‌رسانی و آموزشهای مدیریت اقتصادی در جهت کارهای شورگرا و وگاهن هر سه تولید و با لایروبی سارده کار .
- ۶- تامین بودجه کشور از طریق ما را داقتصادی بخش دولتی و تبدیل مالیاتها به منبع کمکی ، اسناد سیاست مالیاتی و بودجه‌گذاری در جهت حفظ منابع زمین کشاورزی ، جبران عقب ماندگی مناطق محروم ، و تامین شرایط برابر برای رشد اقتصادی - اجتماعی مناطق اقلیت‌های ملی و سایر مناطق کشور .

### چ- در زمینه مسائل اجتماعی

#### حقوق کار :

- ۱- تدوین قانون کار و قانون تامین اجتماعی فراگیر بر پایه موازین دگرگونی و مساوات مشارکت‌سایندگان سازمانهای صنعتی مستقل کارگری .
- ۲- تامین اشتغال و تضمین امنیت شغلی برای کلیه افراد جامعه ، برپاداشتن حق بیمه به یکبار .
- ۳- تامین حق تشکیل سازمانهای صنعتی مستقل کارگران واحدهای تولیدی و خدماتی کشور ، حق مداخله اتحادیه کارگری در حل و فصل مسایل مربوط به سازماندهی تولید ، شرایط کار و سایر امور مشابه .
- ۴- تضمین حداقل دستمزد متناسب با نیازهای مادی و معنوی یک خانواده زمیندار و ترمیم سالانه آن ، متناسب با سطح هزینه‌ها و متناسب با کمیت و کیفیت کار .
- ۵- تضمین حق اعتصاب برای تمام کارگران و کارکنان جهت دفاع از حقوق و منافع خود .
- ۶- اجرای ۴۰ ساعت کار و دورور تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی سالانه برای کلیه مزدبگیران و فراهم آوردن امکانات لازم برای استفاده از آن ، ممنوعیت اضافه کاری ، تعیین حداقل ساعت کار در هفته برای مشاغل سنگین و زیانبار برای سلامتی کارگران .
- ۷- به رسمیت شناختن حق انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی با کارفرما و دولت برای تشکیلهای کارگری .
- ۸- تدوین طرح ارتقای ارزشی مشاغل ، تامین امکانات لازم برای کسب آموزشهای فنی ، حرفه‌ای و عمومی و ترفیع سطح تخصص کارگران و دیگر مزدبگیران .
- ۹- تامین حق برخورداری کارگران زن از مزد مساوی در برابر کار مساوی با مردان ، برخورداری از حق برابر مردان در اشتغال ، ترفیع و امکانات آموزشی ، برخورداری از حقوق و مزایای مادران و معاقبت از کارهای شاق بدنی و مشاغل زیانبار .
- ۱۰- ممنوعیت کار کودکان و نوجوانان کمتر از ۱۵ سال ، تامین حق برخورداری کارگران ۱۵-۱۸ سال از حقوق صنعتی ویژه .
- ۱۱- تامین مسکن مناسب برای همه کارگران .
- ۱۲- تامین وسائل ایمنی و بهداشت در همه واحدهای کار ، تامین حق بازرسی کار توسط نمایندگان سازمانهای صنعتی کارگران .
- ۱۳- اعلام اول ماه مه ( ۱۱ اردیبهشت ) به عنوان روز کارگر و تعطیل رسمی در کشور .

## حقوق زنان :

- ۱- العای کله فوانس ارتجاعي جمهوری اسلامی در مورد زنان .
- ۲- تامین برابری کامل حقوق زنان با مردان در زمینه اشتغال، تحصیل، همسرگزینی و طلاق، سرپرستی کودکان، ارث، حق تضاروت، شهادت دادن و سایر شؤون اجتماعی.
- ۳- ممنوعیت چندهمسری، افزایش سن قانونی ازدواج برای دختران.
- ۴- تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و در اداره کشور.
- ۵- حمایت از خانواده‌های سرپرست و بیوگان، ایجاد مهدکودک‌ها و شیرخوارگاه‌ها در جنب واحدهای تولیدی و ادارات و در محلات.
- ۶- معافیت زنان از اشتغال در کارهای شاق.
- ۷- تامین حداقل ۴ ماه مرخصی زایمان برای زنان شاغل یا استفاده از حقوق.
- ۸- آزادی تشکیل سازمانهای دمکراتیک زنان و تامین حقوق آنان برای فعالیت سیاسی و اجتماعی و ایجاد گسترش مسابقات با جنبش دمکراتیک بین‌المللی زنان.

## تامین مسکن :

- ۱- تکیه بر بخش دولتی و تعاونی جهت تامین مسکن مناسب برای کارگران و زحمتکشان شهرودها با قیمت ارزان، تامین وام و زمین برای خانه‌سازی شخصی.
- ۲- ممنوعیت تجارت و بورس‌بازی روی زمینهای شهری و غیرقانونی کردن احتکار مسکن، ممانعت از جمع‌های مسکونی و مستغلات زمینداران بزرگ و کلان سرمایه‌داران.
- ۳- کاهش اجاره‌ها، مسکن و حمایت از حقوق مستاجرین.
- ۴- تامین زمین رایگان و تسهیلات برای تعاونی‌های مسکن کارگران و کارمندان.
- ۵- اجرای برنامه‌های وسیع خانه‌سازی با سازی نواحی مسکونی مناطق جنگی.

## تامین بهداشت و درمان همگانی :

- ۱- توسعه سیستم دولتی بهداشت و درمان و رایگان کردن خدمات آن، توزیع عادلانه خدمات بهداشتی و درمانی در شهرستانها.
- ۲- ایجاد و گسترش سیستم بیمه‌های برای تمام افراد جامعه. تامین حق بیمه از طریق درآمدهای عمومی و درآمد موسسات.
- ۳- تأمین شبکه‌های وسیع تربیتی در بهداشتی و درمانی، ایجاد دبیرستانها، درمانگاهها، زایشگاهها، مراکز بهداشتی و آسایشگاهها در شهرها و روستاها، راه‌سیستم‌های سیار را شبکه خدمات بهداشتی و درمانی و داروئی و آزمایشگاهها. ایجاد مراکز خاص برای معلولین و بیماران درمان ناپذیر، تیمارخانه‌ها و سالمندان و برای بیمه‌ریهای مسری.
- ۴- تامین بهداشت محیط کار و زندگی و مبارزه جدی با آلودگی روزافزون و تخریب محیط زیست.
- ۵- واکسیناسیون همگانی و اجباری، مبارزه با امراض واگیردار.

## تامین آموزش همگانی :

- ۱- ریشه‌کن کردن بیسوادی در کشور.
- ۲- اجباری و رایگان کردن دوره‌های آموزشی ابتدایی و راهنمایی و ایجاد شرایط مساعد برای آموزش عالی به طور رایگان. ایجاد توسط شبکه‌های کودکان، دبستانها، دبیرستانها و مدارس حرفه‌ای، گسترش دانشگاهها و مدارس عالی.

- ۳- ایجاد پیوند نزدیک بین مدارس و کار تولیدی و توفیق آموزش نظری و عملی.
- ۴- دگرگونی بنیادی نظام آموزشی کشور، زدودن اندیشه‌های خرافی و ارتجاعی از محیط‌های آموزشی، حذف کلیه مطالب ضد علمی و ضد ملی و خرافی از کتب آموزشی، لغو تدریس اجباری دروس مذهبی در کلیه موسسات آموزشی.
- ۵- پرداخت کمک هزینه مستمر به کلیه دانشجویان موسسات عالی آموزشی.
- ۶- لغو هرگونه تبعیض در آموزش بر پایه زبان، عقیده، مذهب، قومیت، نژاد و ...
- ۷- تامین شرایط زندگی مناسب برای معلمان، استادان و کارمندان فرهنگی، ایجاد امکانات لازم برای ارتقای سطح علمی و آموزشی معلمان و استادان.

## جوانان :

- ۱- لغو تمام فئودوتحمیلات ارتجاعی حاکم بر زندگی جوانان، پایان دادن به اختناق حاکم بر مدارس و دانشگاهها و سایر محیط‌های آموزشی، تامین حق آزادی اندیشه و فعالیت سیاسی برای جوانان، زدودن انکار رسمیت و بنیاد اسلامی، تاریک‌اندیشی، خرافه پرستی، گرایشهای آنا رشیستی در بین جوانان.
- ۲- تامین حق جوانان و دانشجویان برای تشکیل سازمانهای آزادی‌دو دمکراتیک، فراهم آوردن شرایط ضروری برای ایفای نقش فعال و موثر آنان در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور. تضمین حق آنان برای سطح مناسب و همگاری با سایر سازمانهای جوانان در عرصه بین‌المللی.
- ۳- ریشه‌کن کردن انحرافات اخلاقی، بویژه آلودگی جوانان به مواد مخدر و ایجاد مراکز تربیتی جوانان در مقیاس کشور، فراهم آوردن امکانات همه‌جانبه و همگانی برای رشد روزافزون قابلیت‌های جوانان و دانشجویان در عرصه‌های هنری، ادبی، علمی و ورزشی.

## فرهنگ و هنر، علوم و تکنولوژی :

- ۱- زدودن کلیه تحلیلات و تاثیرات ارتجاعی و قرون وسطایی ناشی از سلطه رژیم ولایت فقهی و سرکوارسانی حیات معنوی جامعه. مبارزه با کلیه مظاهر فرهنگ و اخلاق منحط و سوداگرانه بورژوازی و فئودال فرهنگ نواستعماری امپریالیسم جهانی.
- ۲- اشاعه همه‌جانبه علوم و تکنولوژی، بهره‌گیری از دستاوردهای آن در تامین خودکفایی، تربیت کارمندان متخصص فنی و علمی، تشویق طراحان، مهندسان و مخترعین.
- ۳- احیا و گسترش فرهنگ و هنر ملی، مترقی و مردمی، فراهم آوردن شرایط مساعد برای شکوفایی فرهنگ و هنر خلقها.
- ۴- تامین آزادی فعالیت نویسندگان و هنرمندان و سازمانهای آنها، حمایت از تأسیس مراکز هنری، گالریهای شعری، نویسندگان و دیگر هنرمندان، ایجاد امکانات مساعد برای رشته‌های گوناگون هنری و خلاقیت هنرمندان و نویسندگان.
- ۵- گسترش میادلات فرهنگی و هنری با سایر ملل.
- ۶- تأسیس کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و دولتی و عمومی در سراسر کشور.
- ۷- ایجاد فرهنگستان علوم ایران و گسترش موسسات پژوهشی و فراهم آوردن شرایط مساعد برای کارمندان دانشمندان.

ورزش :

- ۱- لغو هرگونه ممنوعیت و تبعیض جنسی و مذهبی در ورزش .
- ۲- تأمین وسائل و امکانات ورزشی برای همه مردم و بویژه برای جوانان .
- ۳- ایجاد باشگاههای ورزشی برای رشته‌های مختلف ورزشی با اولویت مناطق کارگری و روستایی .

### فصل هفتم

#### دوره تحقیق این برنامه

سازمان مدافعان خلق ایران (اکثریت) به مثابه سازمان سیاسی طبقه کارگر، ماسخ، حواسنها و آماجهای طبقه کارگر ایران را در قالب این برنامه تنظیم و در تحقق آن پیگیرانه مبارزه می‌کند. این سند برنامه‌ای در عین حال بیانگر خواسته‌های قدامت‌پرستانه و دمکراتیک توده‌های میلیونی کارگران، دهقانان، خردده‌سوزواری و روشنفکران خلقی است .

سازمان ما همه‌پیروان سوسیالیسم علمی را به وحدت در حزب واحد و در تحول این برنامه‌ها برنامه‌ها حزب طبقه کارگر ایران است . بر می‌خواند .

سازمان ارکله نیروهای مشرفی جامعه دعوت می‌کند که در تحول برنامه‌ها کمیته انقلابی خلق گرد آمده و برای تحقق آن متحدان مبارزه کنند. در عین حال سازمان از هر جنبشی که مخالف نظم موجود بوده و در راه تحقق تمام با قسمتی از برنامه‌ها کمیته انقلابی خلق مبارزه می‌کند، پشتیبانی می‌نماید .

سازمان مدافعان خلق ایران (اکثریت) برای استقرار کمیته انقلابی خلق و تحقق این برنامه، آماده است تا با نیروهای دمکراتیک کشور بر اساس پلاتفرم مشترکی که هدف آن سرنگونی رژیم ولایت فقیه (جمهوری اسلامی) و تحقق سوسیالیسم در یک خواسته‌های نوده‌های قیام‌کننده و در راه آنها استقرار موری صلح و آزادی و فراخواندن موری مجلس موسسان برای تأسیس و استقرار کمیته جدید است . در یک جنبه وسیع منعقد شود. در مرحله کنونی، مبارزه در راه تشکیل این جنبه که هدف مشترک نیروهای آن، سرنگونی رژیم و تأسیس صلح و آزادی است، و طبقه‌ای در یک ناپذیر است .

در صورت تشکیل چنین جنبه‌ای سازمان تا تشکیل مجلس موسسان و در مجلس موسسان پیگیرانه از کمیته انقلابی خلق و از برنامه‌ها دفاع کرده و با تمام نیرو در راه استقرار آن پیگیرانه می‌کند .

مسئول کمیسیون برنامه - فرخ نگهدار

۲۲ آذر ماه ۱۳۶۶